



حکومت ساسانیان

بزرگمهر بختگان در ایران باستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۱ مهر ۱۴۰۴ | ۱۹ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

بزرگمهر بختگان یکی از شخصیت‌های نامدار دوره ساسانی است که در متون ادبی و تاریخی به عنوان وزیر خردمند خسرو اول انوشیروان شناخته می‌شود. منابع فارسی و عربی او را دارای خرد استثنایی و اندرزه‌های حکیمانه توصیف کرده‌اند. هرچند در فرهنگ عامه ایران کمتر کسی را می‌توان یافت که نام بزرگمهر را نشنیده باشد، در محافل علمی درباره تاریخی بودن یا افسانه‌ای بودن این شخصیت اختلاف نظر وجود دارد. برخی پژوهشگران بزرگمهر را چیزی جز یک افسانه و ساخته خیال نمی‌دانند و گروهی او را همان برزویه طبیب (پزشک معروف خسرو I

بزرگمهر بختگان یکی از شخصیت‌های نامدار دوره ساسانی است که در متون ادبی و تاریخی به عنوان وزیر خردمند خسرو اول انوشیروان شناخته می‌شود. منابع فارسی و عربی او را دارای خرد استثنایی و اندرزه‌های حکیمانه توصیف کرده‌اند. هرچند در فرهنگ عامه ایران کمتر کسی را می‌توان یافت که نام بزرگمهر را نشنیده باشد، در محافل علمی درباره تاریخی بودن یا افسانه‌ای بودن این شخصیت اختلاف نظر وجود دارد. برخی پژوهشگران بزرگمهر را چیزی جز یک افسانه و ساخته خیال نمی‌دانند و گروهی او را همان برزویه طبیب (پزشک معروف خسرو انوشیروان) پنداشته‌اند، در حالی که عده‌ای نیز بزرگمهر را شخصیتی واقعی در تاریخ تلقی می‌کنند. با این وجود، بزرگمهر در سنت ایرانی نماد خردمندی و تدبیر به‌شمار رفته و داستان‌ها و اندرزه‌های بسیاری بدو منسوب شده است. در این مقاله، زندگی‌نامه تاریخی و جایگاه سیاسی بزرگمهر در دوران قباد و خسرو انوشیروان، نقش او در اصلاحات اداری و اجتماعی عصر ساسانی، بازتاب شخصیت او در منابع کهن فارسی و عربی، آثار و گفتارهای منسوب به وی، حضور او در فرهنگ عامه و ادب تعلیمی (از جمله در امثال و حکم فارسی)، افسانه‌های مرتبط با او (مانند رازگشایی بازی شطرنج و ابداع نرد)، و تمایز شخصیت او با برزویه طبیب بررسی می‌گردد.

زندگی‌نامه تاریخی و جایگاه سیاسی در دوران قباد و انوشیروان

بر پایه روایات تاریخی، بزرگمهر پسر **سوخرا** از خاندان اشرافی **کارن** (یکی از هفت خاندان بزرگ ایران) بود. وی در زمان شاه **قباد یکم** (حک: ۴۸۸-۵۳۱ م) وارد خدمت دیوانی شد. پس از آن که قباد در سال ۴۹۸ م. تاج‌وتخت از دست‌رفته خود را بازپس گرفت، بزرگمهر را به سمت وزیر اعظم (وُزرگ‌قَرمدار) منصوب کرد. گفته شده است بزرگمهر در همین دوران قباد را متقاعد نمود تا مالیات بر میوه و غلات از دهقانان برداشته شود و فشار اقتصادی از دوش کشاورزان کاسته گردد. در دوران پادشاهی فرزند قباد، یعنی **خسرو اول انوشیروان** (حک: ۵۳۱-۵۷۹ م)، بزرگمهر همچنان عهده‌دار منصب وزارت بود و حتی جایگاه والائری یافت؛ خسرو وی را به مقام سپهبدی بخش خراسان (مرزبان شرق ایران) منصوب کرد. این انتصاب را تلاشی از سوی خسرو برای دلجویی از خاندان بزرگمهر دانسته‌اند، زیرا پدر بزرگمهر (سوخرا) که از بزرگان پارتی خاندان کارن بود به دست قباد کشته شده و خانواده ایشان مغضوب واقع شده بودند. دو مهر بازمانده از بزرگمهر شناسایی شده است که بر روی هر دو، بزرگمهر با عنوان «اسپید پهلو» (ASPBED-i PAHLAW) بر اصل و نسب اشرافی پهلوان (پارتی) خود تأکید کرده است. بزرگمهر در زمان سلطنت **هرمزد چهارم** (۵۷۹-۵۹۰ م، فرزند و جانشین انوشیروان) نیز ظاهراً همچنان مقام خود را حفظ کرد و احتمالاً تا پایان عمر عهده‌دار سپهبدی خراسان بود. بنا بر روایت‌ها، وی سرانجام به فرمان هرمزد چهارم اعدام شد. اگرچه تاریخ دقیق مرگ او در منابع ذکر نشده است، پژوهشگران بر این باورند که کشته شدن بزرگمهر به دست هرمزد، مبنای تاریخی داستان‌هایی شد که بعدها درباره خشم شاه بر بزرگمهر شکل گرفت. فردیناند یوستی خاورشناس آلمانی با تطبیق روایات تاریخی به این نتیجه رسید که بزرگمهر همان «بُزْمهر»، دبیر نامدار خسرو انوشیروان، بوده که به دستور هرمزد چهارم به قتل رسید. (گزارش فردوسی و ثعالبی نیز حاکی از آن است که یکی از دبیران و مشاوران برجسته خسرو به نام برزْمهر به دست هرمزد چهارم کشته شد و نام وی در شمار بزرگان دربار انوشیروان آمده است.) در مقابل، فردوسی و ثعالبی که روایت‌های عصر خسرو انوشیروان را نقل کرده‌اند هیچ‌یک اشاره‌ای به مرگ بزرگمهر

نکرده‌اند؛ و **مسعودی** تاریخ‌نگار عرب که به اشتباه بزرگمهر را وزیر خسرو پرویز (خسرو دوم) دانسته، علت مرگش را گرویدن او به آیین مانی ذکر کرده است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که سرگذشت بزرگمهر در گذر زمان با افسانه درآمیخته و در روایت‌های گوناگون به شکل‌های متفاوتی بازگو شده است.

نقش بزرگمهر در اصلاحات اداری و اجتماعی عصر ساسانی

خسرو انوشیروان به سبب انجام اصلاحات گسترده اداری، اقتصادی و نظامی، در تاریخ به عنوان پادشاهی دادگستر و سامان‌ده شناخته می‌شود. گفته شده است که خسرو ساختار دیوانسالاری دولت ساسانی را بازسازمان‌دهی کرد و نظام وزارت را بنیان نهاد؛ به این صورت که کشور به چند دیوان (وزارت‌خانه) تقسیم شد و همه تحت نظر یک وزیر اعظم (وُزرگ‌فرمدار) اداره می‌گردید. وجود وزیر کاردانی چون بزرگمهر - که خود در حکمت و کیاست نامدار بود - در اجرای این برنامه‌های اصلاحی نقشی مهم داشته است. در منابع، به اقدامات بزرگمهر در راستای بهبود اوضاع اجتماعی و مالی نیز اشاره شده است. برای نمونه، تصمیم قباد یکم در لغو مالیات محصولات کشاورزی دهقانان به مشاوره و ترغیب بزرگمهر نسبت داده شده که نشان از توجه او به رفاه طبقات فرودست داشت. به طور کل، بزرگمهر را می‌توان یکی از مجریان و طراحان سیاست‌های اصلاحی و عدالت‌محور دوران انوشیروان دانست که با تدبیر وی، اصلاحاتی نظیر تثبیت نظام مالیاتی (به جای مالیات متغیر سالانه)، تمرکز قدرت در دست پادشاه و کاهش نفوذ خاندان‌های اشرافی تحقق یافت. منابع تاریخی تصریح کرده‌اند که انوشیروان طی دوران سلطنت طولانی خود از وجود وزیری فرزانه چون بزرگمهر بهره‌مند بود و این امر در پیشبرد برنامه‌های حکومت و برقراری عدالت سهم بسزایی داشت. بعدها در ادبیات سیاسی ایران (از جمله در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک) نیز بر الگوی پادشاه عادل و وزیر خردمند - که تجسم تاریخی آن انوشیروان و بزرگمهر هستند - تأکید شده است.

بزرگمهر در منابع کهن فارسی و عربی

بزرگمهر در بسیاری از منابع دوران اسلامی، هم به عنوان شخصیتی تاریخی و هم چهره‌ای اسطوره‌ای، جلوه یافته است. **فردوسی** در شاهنامه و **ثعالبی** در غررالسیر (روایات پادشاهان فارس) شرح مفصلی از بزرگمهر آورده‌اند که البته آمیخته با داستان‌های شگفت است. در این روایت‌ها بزرگمهر جوانی دانش‌پژوه از شهر مرو است که برای تعبیر خواب پادشاه به دربار فراخوانده می‌شود، سپس به درستی خواب انوشیروان را تفسیر می‌کند و در نتیجه به مقام مشاورت و وزارت شاه نائل می‌گردد. همچنین در شاهنامه فردوسی، بزرگمهر در مقام داناترین مرد ایران معرفی شده که در حضور شاهنشاه بر مسند ویژه کنار تخت می‌نشست و همواره آماده مشورت و حل مشکلات دربار بود. در متون عربی اولیه نظیر تاریخ‌های طبری، ابن قتیبه و حمزه اصفهانی - که مستقیماً بر اساس خدای‌نامه (تواریخ پهلوی ساسانی) نگاشته شده‌اند - نامی از بزرگمهر دیده نمی‌شود. این نکته برخی خاورشناسان مانند آرتور کریستن‌سن را به این فرضیه رهنمون ساخت که بزرگمهر شخصیتی افسانه‌ای است که روایات اسلامی اواخر دوره ساسانی خلق کرده‌اند و شاید همان برزویه طیب باشد. با این حال، نبود نام بزرگمهر در آن معدودی منابع، دلیل کافی بر عدم وجود او در منابع پهلوی نیست؛ چه این‌که مؤلفانی نظیر طبری و حمزه بهره‌چندانی از سنت‌های

شفاهی ایرانی نبوده‌اند. برعکس، نام بزرگمهر در آثار متعددی از مورخان و ادیبان پس از اسلام دیده می‌شود که نشان می‌دهد سنت‌های مرتبط با او در دسترس آنان بوده است. برای نمونه، **ابن ندیم** در کتاب الفهرست خود چندین اثر (رساله و کتاب) را به بزرگمهر نسبت می‌دهد؛ **مسعودی** در مروج الذهب ضمن اشاره به بزرگمهر (گرچه با پاره‌ای اشتباهات تاریخی) از خردمندی و جایگاه والای او سخن می‌گوید؛ **ابن قتیبه دینوری** در کتاب عیون الاخبار برخی اندرزها و گفته‌های حکمت‌آمیز بزرگمهر را نقل کرده است؛ و در متون فارسی میانه نظیر یادگار بزرگمهر و چترنگ‌نامه - که احتمالاً برگرفته از سنت ساسانی‌اند - نام و حکایات بزرگمهر محور اصلی قرار دارد. در مجموع، تصویر بزرگمهر در منابع کهن اسلامی ترکیبی است از حقیقت تاریخی و افسانه ادبی: از یک سو او را وزیری فرزانه و خردمند معرفی کرده‌اند که دانش‌های رازآمیز می‌دانسته و حتی در نقش یک قهرمان ملی ظاهر می‌شود (چنان‌که در برخی روایات دانستن رازهایی باعث سرافرازی ایرانیان در برابر هند و روم شده است)؛ و از سوی دیگر جزئیات زندگی و مرگ او را هر منبع به شکلی متفاوت ذکر کرده است. برای مثال، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، فردوسی و ثعالی اصلاً یادی از سرانجام کار بزرگمهر نکرده‌اند، اما مسعودی (که بزرگمهر را به روزگار خسرو پرویز منتقل کرده) تصریح می‌کند که وی به جرم ارتداد و گرایش به آئین مانی اعدام شد. این تفاوت‌ها ناشی از تکامل تدریجی داستان بزرگمهر در سنت تاریخی-ادبی است. با این همه، **جلال خالقی‌مطلق** (مصصح شاهنامه) بر پایه شواهد معتقد است که بخش عمده حکایات بزرگمهر در شاهنامه ابوالمؤید بلخی (شاهنامه منثور ابومنصوری) ریشه داشته و از طریق آن به فردوسی و ثعالی رسیده است؛ بنابراین اصل وجود چنین شخصیتی در سنت ملی ایران غیرقابل انکار است، حتی اگر در منابع بازمانده صدر اسلام کم‌رنگ باشد.

آثار و گفتارهای منسوب به بزرگمهر

چندین اثر به زبان پهلوی و فارسی میانه به بزرگمهر نسبت داده شده است، هرچند در اصالت انتساب برخی از آن‌ها تردیدهایی وجود دارد. مشهورترین اثر منسوب به او رساله **وزارشنی چترنگ** (به معنای پیکار شطرنج، معروف به چترنگ‌نامه) است که داستان آوردن بازی شطرنج از هند به دربار انوشیروان و رازگشایی آن توسط بزرگمهر و در مقابل، ابداع بازی نرد (تخته‌نرد) توسط او را روایت می‌کند. دیگر رساله مهم، **یادگار بزرگمهر بختگان** (به پهلوی: *Ayādgar ī Wuzurgmīhr ī Bōxtagān*) است که در شمار اندرزنامه‌های پهلوی قرار می‌گیرد. این متن حاوی مجموعه‌ای از پندها و آموزه‌های اخلاقی منسوب به بزرگمهر است و هرچند در دوره اسلامی تألیف شده، شواهد نشان می‌دهد که مبتنی بر سنت‌های دوره ساسانی بوده است. محتوای این اندرزنامه پیرامون اصول رفتار و تربیت فردی و اجتماعی است - مانند آداب سخن‌گفتن، راستی و درستی، جوانمردی، پرهیز از تنبلی و دانش‌اندوزی - و بسیاری از این حکمت‌ها بعدها عیناً در منابع اسلامی انعکاس یافته است. برای نمونه، ابن مسکویه در جابیدان خرد بخش‌هایی از اندرزهای بزرگمهر را (عمدتاً برگرفته از همان یادگار بزرگمهر) نقل کرده که شامل مضامین یادشده است. آثار دیگری نیز به بزرگمهر نسبت داده شده است که امروزه برخی در دسترس نیستند. از آن جمله **کتاب ظفرنامه** (یا پیروزی‌نامه) که گفته می‌شود اصل آن به پهلوی بوده و بعدها **ابن سینا** آن را به فارسی ترجمه کرده است؛ **کتاب الزبرج** (یا *Bezīdaj* به روایت ابن ندیم) که شرحی بر کتاب اخترشناسی *والنّس* (وتیوس والنس) بوده و ابن ندیم در الفهرست آن را از آثار بزرگمهر برشمرده است، اما امروزه اثری از متن آن در دست نیست؛ و نیز **کتاب**

مهرآذاد جوشنس (یا مهرآذر جوشنس) که آن هم در زمره آثار گمشده منسوب به بزرگمهر ذکر شده است. علاوه بر این‌ها، بسیاری حکایات و جملات حکمت‌آمیز در منابع مختلف به بزرگمهر نسبت داده شده است. برای نمونه، در ادبیات تعلیمی فارسی، مجموعه‌هایی از اندرزها تحت عنوان پندنامه بزرگمهر حکیم پدید آمده که در واقع گردآوری گفتارهای پراکنده‌ای است که به بزرگمهر نسبت داده شده است (از جمله ترجمه‌ای فارسی از اندرزنامه پهلوی بزرگمهر توسط فرهاد آبادانی در سال ۱۳۵۰ ش. منتشر شده است). همچنین در کتاب‌هایی چون سیاست‌نامه (خواجه نظام‌الملک) و جوامع‌الحکایات (محمد عوفی) حکایاتی از کیاست و فرزاندگی بزرگمهر نقل شده که بازتاب‌دهنده دیدگاه نویسندگان اسلامی نسبت به خرد ایرانیان باستان است. البته پژوهشگران تذکر می‌دهند که نسبت‌دادن بسیاری از آثار حکمی به حکمای باستان در دوره‌های پسین امری رایج بوده است و در مورد بزرگمهر نیز احتمال دارد برخی رساله‌ها یا اقوال در طی زمان بدو منسوب شده باشند. چنان‌که مثلاً در دوره‌های متأخر، بعضی بزرگان بزرگمهر را مترجم کليلة و دمنه دانسته یا دیباچه ترجمه فارسی کليلة را به او نسبت داده‌اند، در حالی که براساس شواهد تاریخی این کار توسط برویة طبیب انجام شده و انتساب آن به بزرگمهر نادرست است.

بزرگمهر در فرهنگ عامه، ادب تعلیمی و مثل‌های فارسی

نام بزرگمهر در فرهنگ عامه ایرانی مترادف با دانایی و هوشمندی است و قصص و امثال فراوانی پیرامون او شکل گرفته است. در ادبیات فارسی، چه در متون نثر تعلیمی و چه در اشعار شاعران، بزرگمهر اغلب به عنوان نماد خردمندی معرفی می‌شود. برای مثال، **سعدی** در برخی حکایات خود به وجود وزیری خردمند در عهد انوشیروان (اشاره به بزرگمهر) اشاره می‌کند و **نظامی** در شرفنامه می‌سراید: «بزم نوشیروان سپهری بود / کز جهانش بزرگمهری بود» که به روشنی به درایت بزرگمهر در دربار انوشیروان اشاره دارد. بسیاری از نویسندگان دوره‌های مختلف، از **بیهقی** در تاریخ خود گرفته تا **خواجه نظام‌الملک** در سیاست‌نامه و **مولانا** در مثنوی، برای بیان نکات حکمتی یا عبرت‌آموز، نام بزرگمهر را به عنوان گوینده یا قهرمان حکایت ذکر کرده‌اند.

یکی از حکایت‌های عامیانه مشهور درباره بزرگمهر که به صورت ضرب‌المثل نیز درآمده، ماجرای پند «سخرخیز باش تا کامروا شوی» است. بر پایه این داستان، بزرگمهر وزیری بسیار سخرخیز بود که هر بامداد زودتر از همه به دربار می‌رفت و شاه را به زود برخاستن تشویق می‌کرد. انوشیروان که خود به شب‌نشینی و بزم عادت داشت، تصمیم گرفت صداقت وزیر را بیازماید. شبی دستور داد خدمتکاران لباس‌های بزرگمهر را پنهان کنند تا او نتواند سحرگاه طبق معمول به موقع در کاخ حاضر شود. بزرگمهر بامداد روز بعد ناچار شد برهنه به بارگاه بیاید و بنابراین کمی دیرتر از وقت همیشگی رسید. شاه با لبخند تمسخرآمیزی گفت: «تو که هر روز می‌گفتی سخرخیز باش تا کامروا شوی! پس چرا امروز دیر آمدی؟» بزرگمهر در پاسخ با زیرکی گفت: «قربان، دزدان امروز کامروا شدند، زیرا آن‌ها زودتر از من بیدار شده بودند!» گفته شده است که خسرو از حاضرجوابی وزیر خوشنود شد و بیش از پیش به خردمند بودن او ایمان یافت. این حکایت به صورت‌های مختلف در منابع اخلاقی و عامیانه نقل شده و بیانگر جایگاه بزرگمهر در ذهن و زبان مردم به عنوان وزیری دانا و نکته‌سنج است. حتی امروزه نیز در زبان فارسی اصطلاح «بزرگمهر زمان خود بودن» کنایه از فردی است که به خرد و کیاست شهرت دارد.

افسانه‌ها و روایات مرتبط با بزرگمهر

زندگی بزرگمهر در روایت‌های تاریخی با افسانه درآمیخته و چندین داستان شگفت به او نسبت داده شده است که بازتاب‌دهنده خردمندی خارق‌العاده او در فرهنگ ایرانی است. یکی از این افسانه‌ها ماجرای **تعبیر خواب انوشیروان** به دست بزرگمهر است. چنان‌که فردوسی و ثعالی نقل می‌کنند، انوشیروان شبی خواب عجیبی دید و حکیمان دربار از تعبیر آن ناتوان ماندند. بزرگمهر که در آن زمان جوانی دانش‌اندوز در مرو بود، به دربار فراخوانده شد و توانست خواب شاه را به درستی تعبیر کند؛ به پاس این هنرنمایی، انوشیروان او را به عنوان مشاور و سپس وزیر مخصوص خود برگزید.

افسانه مشهور دیگر **داستان شطرنج** است. در این داستان پادشاه هند، به منظور آزمایش هوش و دانایی حکیمان ایرانی، بازی شطرنج را همراه با مهره‌ها و صفحه آن به عنوان پیشکش به دربار انوشیروان می‌فرستد، بی‌آن‌که روش بازی را فاش کند. انوشیروان حل این معما را به بزرگمهر واگذار می‌کند و بزرگمهر پس از یک روز تأمل، راز حرکت مهره‌های شطرنج را کشف کرده و بازی را برای شاه شرح می‌دهد. سپس بزرگمهر در مقابله با پادشاه هند، **بازی نرد** (تخت‌نرد) را ابداع می‌کند و با فرستادن آن به دربار هند از آنان می‌خواهد راز این بازی تازه را بکشایند. حکیمان هندی از فهمیدن قواعد نرد عاجز می‌مانند و بدین ترتیب برتری خرد ایرانیان بر هندیان اثبات می‌شود. این داستان نخستین بار در منابع پهلوی (رساله چترنگ یا ورزشی چترنگ) آمده و فردوسی نیز آن را به نظم کشیده است. امروزه روایت مفصل این افسانه در بین مردم شهرت دارد و اختراع بازی نرد بخش جدایی‌ناپذیر آن است.

روایت شگفت‌آور دیگر، **ماجرای نوشاندن گوهر** به شاه و محبوس شدن بزرگمهر است. بنا بر این افسانه، بزرگمهر روزی برای درمان ناراحتی مزاج شاه پیشنهاد می‌کند که گوهر گران‌بهای را آسیا کرده به خسرو بخوراند تا علت بیماری دفع شود (این عمل براساس یک باور پزشکی کهن، موجب بهبود بیمار می‌شد). اما خسرو دچار بدگمانی می‌شود و می‌اندیشد که بزرگمهر قصد داشته با خوراندن زهر یا ماده‌ای اسرارآمیز او را از میان بردارد. از این رو پادشاه به خشم آمده، فرمان می‌دهد بزرگمهر را به زندان افکنند. بزرگمهر سال‌ها در سیاه‌چال محبوس می‌ماند و چشمانش در اثر تاریکی نابینا می‌شود. در همین زمان، **امپراتور روم** معمایی برای دربار ایران می‌فرستد: یک صندوقچه قفل‌شده (دُج) که کسی از محتویات آن خبر نداشت. انوشیروان برای حل این معما ناچار می‌شود بزرگمهر را از زندان آزاد کند. بزرگمهر به محض حضور در دربار، راز درون صندوقچه رومی را کشف می‌کند (می‌گوید در آن پادزهر است) و با گشودن قفل دُج، پاسخ معما را بر ملا می‌سازد. انوشیروان که از وفاداری و تیزبینی بزرگمهر شرمند شده بود، او را مورد عفو قرار داده و بار دیگر به مقام وزارت بازمی‌گرداند. فردوسی و ثعالی این داستان را با جزئیات نقل کرده‌اند و بر عدل انوشیروان در پذیرش خطای خود و بخشش وزیر تأکید ورزیده‌اند.

از دیگر افسانه‌های مرتبط با بزرگمهر، **پیش‌گویی آینده** است. برخی منابع دوره اسلامی، بزرگمهر را صاحب فراست و آگاهی از غیب دانسته‌اند. به روایت **ابن‌خلدون**، بزرگمهر زوال سلطنت ساسانیان و ظهور پیامبر اسلام را سال‌ها پیش از وقوع، پیش‌بینی کرده بود. این داستان بدین صورت نقل شده که بزرگمهر در اواخر عمر به خسرو انوشیروان هشدار داد که ستاره اقبال ساسانیان رو به افول است و به زودی از سرزمین عرب، پیامبری برخاست که آیین تازه‌ای خواهد آورد و امپراتوری ایران را در هم خواهد شکست. گفته می‌شود انوشیروان به ظاهر این سخن را

نپذیرفت، اما در باطن نگران شد و به همین دلیل هنگامی که شنید در سال‌های پایانی سلطنتش کودکی در مکه زاده شده (پیامبر اسلام)، دستور داد هر نوزادی را که در آن سال در حوزه قلمروش متولد شده بیابند و گزارش کنند. هرچند این بخش از روایت ممکن است ساخته و پرداخته ذهن تاریخ‌نگاران مسلمان باشد، اما نشان از آن دارد که در فرهنگ اسلامی، بزرگمهر را نماد خردی فراتر از زمان خود دانسته‌اند که حتی قدرت پیش‌گویی هم به او نسبت داده شده است.

تمایز بزرگمهر با برزویه طبیب

برزویه طبیب یکی از شخصیت‌های حقیقی دربار خسرو انوشیروان بود که مأموریت یافت برای به‌دست‌آوردن نسخه کتاب کليلة و دمنه به هند سفر کند. داستان زندگی برزویه به تفصیل در مقدمه ترجمه پهلوی کليلة و دمنه (به قلم خود برزویه) آمده است و او را پزشک ویژه انوشیروان و فردی علاقه‌مند به حکمت و طب نشان می‌دهد. در برخی منابع و پژوهش‌های قدیم، **بزرگمهر** با برزویه یکسان انگاشته شده یا دست‌کم میان این دو خلط صورت گرفته است. شباهت نسبی نام‌های «بزرگمهر» و «برزویه» و نیز هم‌زمانی آن‌ها در دربار انوشیروان، باعث چنین تصویری شده است. آرتور کریستن‌سن خاورشناس دانمارکی در سال ۱۹۳۰ م. با توجه به نیامدن نام بزرگمهر در منابع اصلی ساسانی (مانند تاریخ طبری و حمزه اصفهانی) این فرضیه را مطرح کرد که شخصیت بزرگمهر ساخته منابع پس از اسلام است و در حقیقت همان برزویه طبیب می‌باشد. به عقیده او، احتمالاً نام «برزویه» مخفف «بُزرْمهر» (بخشی از نام بزرگمهر) بوده و کاتبان دوره اسلامی در خواندن خط پهلوی دچار اشتباه شده‌اند؛ بدین ترتیب «برزمهر» در ترجمه به عربی به صورت «بُزرجمهر» (بزرگمهر) آمده و گمان رفته است که این دو نفر متفاوت‌اند. این دیدگاه برای مدتی در بین برخی محققان طرفدارانی یافت. اما پژوهش‌های جدیدتر و مقایسه متون، این همانی بزرگمهر و برزویه را مردود دانسته‌اند. جلال خالقی‌مطلق و دیگر ایران‌شناسان معاصر تصریح می‌کنند که برزویه طبیب شخصیتی حقیقی و مستقل از بزرگمهر بوده است و تلفیق سرگذشت این دو ناشی از خلط روایات در منابع بعدی است. شواهد موجود حاکی است که بزرگمهر وزیر در واقع همان **بُزرْمهر دبیر** انوشیروان بوده که به دست هرمزد چهارم اعدام شد (چنان‌که یوستی نیز اشاره کرده) و بنابراین نباید او را با برزویه یکی دانست. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان داده است که شباهت‌های میان روایت یادگار بزرگمهر و سرگذشت برزویه در مقدمه کليلة و دمنه، هرگز بر یکی بودن آن دو دلالت نمی‌کند؛ چه اینکه زندگی برزویه از جهاتی حتی به روایت‌های دیگری (جز بزرگمهر) نزدیک‌تر است و این امر تأییدی بر متمایز بودن هویت این دو شخصیت است. به عبارت دیگر، بزرگمهر مظهر وزیر دانای ایرانی است و برزویه مظهر حکیم جوینده دانش؛ هر دو تحت حمایت انوشیروان بوده‌اند اما نقش‌ها و مأموریت‌های متفاوتی داشته‌اند. بدین ترتیب، در پژوهش‌های جدید میان بزرگمهر بختگان و برزویه طبیب تمایز قائل می‌شوند و هر یک را شخصیتی جداگانه در تاریخ و ادبیات به شمار می‌آورند.

نتیجه‌گیری

بزرگمهر بختگان چهره‌ای چندلایه در تاریخ و فرهنگ ایرانی است که مرز میان واقعیت و اسطوره در سرگذشت او

کمرنگ شده است. از یک سو، براساس قرائن تاریخی می‌توان گفت که او احتمالاً وجود خارجی داشته و به عنوان وزیر و مشاور خسرو انوشیروان نقش‌آفرینی کرده است؛ شاید همان‌طور که برخی پژوهشگران مطرح کرده‌اند، بزرگمهر تجسم روایی یک دولتمرد برجسته عهد انوشیروان (مانند برزمهر دبیر) باشد که نام و خاطره‌اش در تاریخ رسمی ثبت شده است. از سوی دیگر، سیمای بزرگمهر چنان با حکایات و اندرزه‌های حکیمانه آمیخته که به سختی می‌توان مرز روشنی میان او به عنوان یک شخصیت تاریخی و یک نماد ادبی ترسیم کرد. تأثیر بزرگمهر بر فرهنگ ایرانی چنان عمیق بوده که قرن‌ها پس از دوره ساسانی نیز حضور او در ادبیات، مثل‌ها و آموزه‌های اخلاقی احساس شده و نامش مترادف با خرد و کیاست گردیده است. داستان‌هایی نظیر رازگشایی شطرنج، سخنان حکمت‌آمیز در حضور پادشاه و حتی افسانه پیش‌گویی ظهور پیامبر اسلام، همگی نشان‌دهنده جایگاه اسطوره‌ای بزرگمهر در تخیل تاریخی ایرانیان است. در عین حال، تمایزگذاری میان بزرگمهر و شخصیت هم‌عصرش برزویه طبیب از دستاوردهای مطالعات جدید است که به درک صحیح‌تری از تاریخ فکری دوره ساسانی کمک می‌کند. به طور کلی، بزرگمهر را می‌توان نمادی از وزرای فرزانه ایرانی دانست که هرچند جزئیات زندگی‌اش در حاله‌ای از افسانه فرورفته، اما تأثیر فرهنگی و معنوی او تا روزگار ما باقی مانده است. زندگی و افسانه بزرگمهر یادآور اهمیت خردورزی و تدبیر در سنت سیاسی و اخلاقی ایران‌زمین است و بررسی چندوجهی این شخصیت می‌تواند زوایای جالبی از پیوند تاریخ و ادب را آشکار سازد.

منابع

1. **خالقی‌مطلق، جلال.** «بزرگمهر بختگان». دانشنامه جهان اسلام، جلد ۳، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵. (متن دانشنامه: بزرگمهر پسر بختگ، وزیر و حکیم روزگار خسرو اول انوشیروان) fa.wikipedia.org
2. **Khaleghi-Motlagh, Djatal.** "Bozorgmehr-e Boktagān." *Encyclopædia Iranica*, Vol. IV, Fasc. 4, 1989, pp. 427–429 iranicaonline.org (معرفی بزرگمهر به عنوان وزیر انوشیروان و بررسی روایات مرتبط با او در متون فارسی و عربی دوره اسلامی)
3. **Shabani, Reza & Ghasemi, Kazem.** «سیری بر شخصیت تاریخی بزرگمهر بختگان و آثار و حکایت‌های منسوب به وی». پژوهشنامه تمدن ایرانی، دوره ۱، ش ۲، ۱۳۹۸، صص ۱۴۰–۱۷۶ journals.uk.ac.ir. (بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره تاریخ یا افسانه‌ای بودن بزرگمهر و معرفی آثار منسوب به او)
4. **Frye, Richard N.** "Khosrow I." *Encyclopædia Britannica* (Online Edition), 2017 britannica.com. (توصیف اصلاحات خسرو انوشیروان و نقش بزرگمهر به عنوان وزیر دانای او در سامان‌دهی امور اداری دولت ساسانی)
5. **دهخدا، علی‌اکبر.** لغت‌نامه دهخدا، مدخل «بزرگمهر» vajehyab.com. (تعریف بزرگمهر به عنوان حکیم و وزیر انوشیروان، اشاره به داستان‌های شطرنج و نرد و ذکر پندنامه بزرگمهر به عنوان اثر منسوب به او)

6. **Mas'ūdī, al- Murūj al-dahab** (ترجمه فارسی: مروج الذهب و معادن الجواهر)، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴. (اشاره به بزرگمهر به عنوان وزیر خسرو پرویز و نسبت دادن مرگ او به آیین مانی) iranicaonline.org.
7. **Ferdowsī, Abū'l-Qāsem. Shāhnāme** (شاهنامه فردوسی)، ویرایش جلال خالقی مطلق، جلد هشتم (داستان قباد و انوشیروان)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶. (حاوی حکایات بزرگمهر از جمله تعبیر خواب انوشیروان، داستان شطرنج و نرد، حبس بزرگمهر و حل معمای درج) iranicaonline.org.
8. **Tha'ālibī, Abū Manṣūr. Gōrar al-sīar** (ترجمه فارسی: شاهنامه ابومنصوری/شاهنامه ثعالبی)، برگردان سید محمد روحانی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۲. (بازگوکننده روایات پادشاهان ایران از جمله داستان بزرگمهر در دربار انوشیروان) iranicaonline.org.
9. **Christensen, A.** "Le Sage Buzurjmihr." *Acta Orientalia*, vol. 8, 1930, pp. 18–128. (تحلیل آرتور کریستنسن درباره بزرگمهر و طرح فرضیه یکی بودن بزرگمهر و برزویه طبیب براساس منابع موجود آن زمان) iranicaonline.org.
10. **خالقی مطلق، جلال.** «برزویه»، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (دانشنامه اسلامیکا، ترجمه فارسی)، جلد ۴، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ (برابر با "Borzuya," Khaleghi-Motlagh, "Borzuya," iranicaonline.orgfa.wikipedia.org, 1989). (معرفی برزویه طبیب و بحث درباره تمایز او از بزرگمهر)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «بزرگمهر بختگان در ایران باستان»، پارسیان دژ، ۱۴۰۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1957/pdf/بزرگمهر-بختگان-در-ایران-باستان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۱ مهر ۱۴۰۴